

الدرس الثامن

المُتَّبِّعُ و سَعْدَى

١- بَعْدَ نَزَولِ الْقُرْآنِ بِالْأَلْغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

م.فيه م.اليه م.اليه ج.ج م.اليه

٢- خَرَجَتْ هَذِهِ الْلِّغَةُ عَنْ حَدُودِ شَبَهِ الْجَزِيرَةِ الْعَرَبِيَّةِ

فعل فاعل ع.بيان ج.ج م.اليه م.اليه صفت

٣- وَاصْبَحَتْ لُغَةً عَالَمِيَّةً *يَنْتَمِي إِلَيْهَا

ف.ناقصه خبر اصبح صفت جمله وصفيه

٤- كُلُّ مَنْ أَسْلَمَ وَ آمَنَ بِاللَّهِ.

فاعل م.اليه صله ف.فاعل ج.ج

٥- وَلِهَذَا تَرَى *أَنَّ الْأَيْرَانِيَّنَ بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ

ج.ج ف.فاعل ح.م اسم ان م.اليه م.اليه م.اليه

٦- حاَوَلُوا *كَثِيرًا لَتَذَوَّبِينَ قَوَاعِدَ الْلِّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

خبر ان م.مطلق ج.ج م.اليه م.اليه صفت

٧- وَتَنَوَّبُوا هَا وَ الْفَوَا كَتَبَا عَدِيدَةً فِي التَّحْوِ وَ الصَّرْفِ

معطوف م.اليه ف.فاغل م.به صفت ج.ج معطوف

٨- وَالْبِلَاغَةِ وَ عِلْمِ الْلِّغَةِ، كَمَا أَنَّهُمْ وَضَعُوا

معطوف معطوف م.اليه ح.ج ح.ز ح.م اسم ان خبر ان

٩- مَعاجِمَ مُهَمَّةً لِهَذِهِ الْلِّغَةِ. وَ مِنْ هُوَلَاءِ

م.اليه صفت ج.ج ع.بيان خبر مقدم

١٠- "سَبَوْيَهُ وَ الْكِسَائِيُّ وَ الْجُرْجَاتِيُّ وَ ١١- التَّفَتَازَانِيُّ وَ الزَّمَخْشَريُّ وَ الْفَيْرُوزُ آبَادِيُّ وَ...".

مبتدأ معطوف معطوف معطوف معطوف مبتدأ

١٢- فَهُمْ رَأَوَا أَنَّ هَذِهِ الْلِّغَةُ لَيْسَ أَجْنِيَّةً

مبتدأ خبر ح.م اسم ان ع.بيان خبران خبر ليس

١٣ - لَهُمْ بِلِّهُ لُغَةً اخْتَارُوا هَا

ج.ج ح.ا مبتدأ خبر جمله وصفيه م.به فاعل

٤ - لِمُخَاطَبَةِ إِلَيْهِمْ فَتَعَلَّمُوا هَا وَ عَلَمُوا هَا

ج.ج م.اليه ف.فاعل م.به ف.فاعل م.به

٥ - وَ أَلْفَوْا بِهَا مُعْظَمَ أَثَارَهُمُ الْعِلْمِيَّةِ

ف.فاعل ج.ج م.به م.اليه م.اليه صفت

٦ - وَ الْأَدْبَرِيَّةِ فَأَصْبَحَتْ لُغَةُ دِينِهِمْ وَ ثَقَافَتْهُمْ

معطوف ف.ناقصه / خبر اصبح / م.اليه م.اليه معطوف م.اليه

٧ - وَ هَكُذَا حَصَلَتْ عَلَاقَاتُ وَثِيقَةُ بَيْنِ الْغَنِينِ الْفَارَسِيَّةِ وَ الْعَرَبِيَّةِ،

ج.ج فعل فاعل صفت م.فيه م.اليه بدل معطوف

٨ - تَكْنَى هُنَا بِالْإِشَارَةِ إِلَى وُجُودِ مَضَامِينَ مُشَتَّكَةَ عَدِيدَةَ

فعل م.فيه ج.ج ج.ج م.اليه صفت صفت

٩ - فِي أَشْعَارِ شُعُرَاءِ هَاتَيْنِ الْغَنِينِ

ج.ج م.اليه م.اليه ع.بيان

١٠ - فَهُذَا *هُوَ الْمُتَنَبِّيُّ مِنْ أَجْلَهُ ادْبَاعُ الْأَدْبَرِ الْعَرَبِيِّ فِي الْقَرْنِ الرَّابِعِ

مبتدأ ض.فصل خبر ج.ج م.اليه م.اليه صفت ج.ج صفت

١١ - وَ ذَاكَ الشَّيْخُ الْأَجَلُ سَعْدَى الشَّيْرَازِيِّ

مبتدأ خبر صفت بدل صفت

١٢ - مِنْ فَحْولِ اَدْبَاعِ اِيرَانَ فِي الْقَرْنِ السَّابِعِ.

ج.ج م.اليه م.اليه ج.ج صفت

١٣ - فَلَنَنْظُرُ إِلَى بَعْضِ هَذِهِ الْمَضَامِينِ مِنْ هَذِينِ الشَّاعِرِيْنِ الْجَلَلَيْنِ:

ف.فاعل ج.ج م.اليه عطف بيان ج.ج صفت صفت

١٤ - الْمُتَنَبِّيُّ: وَ مَنْ قَصَدَ الْبَحْرَ اسْتَقَنَ السَّوَاقِيَا.

فاعل مبتدأ فشرط م.به ج.شرط م.به

٢٥- تُرِيدُونَ إِدْرَاكَ الْمَعَالِيَ رَحِيقَةً

ف.فاعل م.به م.اليه حال

٢٦- *وَ لَا بَدَّ دُونَ الشَّهْدَ مِنْ إِبْرَةِ النَّحْلِ

حالیه نفی جتس اسم لا م.فیه م.اليه خبر لا م.اليه

٢٧- وَكُلُّنَّ مَعْدُنَ الْذَّهَبِ الرَّغَامُ!

ح.ا. مبتدا م.اليه خبر

٢٨- أَنَا الْغَرِيقُ فَمَا خَوْفِي مِنْ الْبَلَلِ؟!

مبتدا خبر خبر مبتدا م.اليه ح.ج

٢٩- لَوْ كَانَ سُكْنَايَ فِيهِ مَنْقَصَةً لَمْ يَكُنْ الدُّرُّ سَاكِنَ الصَّدْفَ

ح.شرط ف.شرط / اسم کان / م.اليه / ج.ج / خبر کان / جواب شرط / اسم یکن / خبر یکن / م.اليه

٣٠- مَا لِجُرْحٍ بِمَيْتٍ إِلَّا مَا

ح.نفی خبر ج.ج مبتدا

٣١- طَارَ الْوُشَاءُ عَلَى صَفَاعَةِ الدُّبَابِ هُمْ وَ كَذَا عَلَى الطَّعَامِ يَطِيرُ

فعل فاعل ج.ج م.اليه م.اليه ج.ج مبتدا ج.ج خبر

نکات:

۳- جمله وصفیه عبارت است از : ۱- فعل + فاعل + ضمیر رابط(ضمیری که به اسم نکره بر می گردد)

در اینجا ضمیر رابط «ها» «در «الیها» است و جمله وصفیه = ینتمی الیه کل من

۴- «آن و اسمش و خبرش» در جمله نقش می گیرد. در اینجا بجای دو مفعول «رأی» آمده است

۵- اصل جمله (حاولوا حوالاً کثیراً) بوده در اینجا «کثیراً» صفت و موصوف آن مفعول مطلق (حوالاً) بوده که حذف شده و صفت (کثیراً) به جای آن نشسته است و نقش مفعول مطلق گرفته است .

۷- اگر «ما» بین «حرف جر» و «آن» قرار گیرد حرف زائد است

۱۲- اگر بعد از «بل» جمله بباید به آن حرف ابتدا گویند که غیر عامل است .

۱۶- هکذا از سه کلمه :

۱- «ه»= حرف تنبیه / ۲- «ک»= حرف جر / ۳- «ذا»= اسم اشاره و کذا جار و مجرور است .

بدل تفصیل : نوعی از بدل است که در آن کلمه ای که معنی « انواع یا اقسام » دارد، قبل از بدل می آید و سپس بدل آن را تفصیل می کند در اینجا اللغتين انواع را می رساند یعنی دو نوع لغت ، سپس انواع آن که الفارسیه والعربیه به صورت بدل ذکر شده است

۱۹- بین مبتدا وخبر ضمیر فصل می آید که اعراب ندارد

۲۵- اگر بعد از « او » جمله اسمیه بباید و هیچ ارتباطی باجمله قبل آن (ارتباط ضمیری یا معنایی) نداشته باشد « او حالیه » می گیریم و جمله اسمیه را حال بحساب می آوریم

۲۶- اگر بعد از « لکن » جمله بباید به آن حرف ابتدا می گوید که غیر عامل است.

ترجمه درس هشتم:

المُتَّبَّى و سَعْدِي

بَعْدَ نُزُولِ الْقُرْآنِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ خَرَجَتْ هَذِهِ اللُّغَةُ عَنْ حَدُودِ شِبْهِ الْجَزِيرَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ أَصْبَحَتْ لُغَةً عَالَمِيَّةً يَتَّسَمُ إِلَيْهَا كُلُّ مَنْ أَسْلَمَ وَ آمَنَ بِاللَّهِ.

متتبی و سعدی

بعد از نزول قرآن به زبان عربی، این زبان از محدوده شبه جزیره عربستان خارج شد و به يك زبان جهانی تبدیل گردید که هر کس مسلمان شده و به خدا ایمان آورده به آن منسوب می شود.
و لِهَذَا نَرَى أَنَّ الْإِيرَانِيَّينَ بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ حَاولُوا كَثِيرًا لِتَدوِينِ قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ تَبْوِيبِهَا وَ أَفْوَا كِتَابًا عَدِيدًا فِي النَّحْوِ وَ الصَّرْفِ وَ الْبَلَاغَةِ وَ عِلْمِ الْلُّغَةِ، كَمَا أَنَّهُمْ وَضَعُوا مَعَاجِمًا مُهِمَّةً لِهَذِهِ اللُّغَةِ. وَ مِنْ هُولَاءِ "سَيِّبَوَيْهُ" وَ الْكِسَائِيُّ وَ الْجُرْجَانِيُّ وَ النَّفَتَازَانِيُّ وَ الزَّمَخْشَرِيُّ وَ الْفَيْرُوزَ آبَادِيُّ وَ...". ۱

و به همین خاطر است که می بینیم ایرانیان بعد از گرویدن به اسلام برای تدوین قواعد زبان عربی و فصل بندی آن تلاش و کوشش فراوانی کردن و کتابهای زیادی را در نحو و صرف و بلاغت و دانش لغتشناسی نوشتند، چنانکه آنان (ایرانیان) فرهنگ‌های لغت مهمی برای این زبان تألیف کردند.

از جمله آنان: "سَيِّبَوَيْهُ، كِسَائِيُّ، جُرْجَانِيُّ، نَفَتَازَانِيُّ، زَمَخْشَرِيُّ وَ فَيْرُوزَ آبَادِيُّ وَ..." می باشند.
فَهُمْ رَأَوُا أَنَّ هَذِهِ اللُّغَةَ لَيْسَ أَجْنبِيَّةً لَهُمْ بَلْ هِيَ لُغَةُ اخْتَارَهَا اللَّهُ لِمُخَاطَبَةِ الْإِنْسَانِ فَتَعَلَّمُوهَا وَ عَلَمُوهَا وَ أَفْوَا بِهَا مُعْظَمَ آثَارِهِمُ الْعِلْمِيَّةِ وَ الْأَدْبَرِيَّةِ. فَأَصْبَحَتْ لُغَةُ دِينِهِمْ وَ ثَقَافَتِهِمْ.

آنان (ایرانیان) عقیده دارند که این زبان برایشان بیگانه نیست بلکه زبانی است که خداوند آن را برای سخن گفتن با انسان انتخاب کرده است، پس آن را آموختند و آموزش دادند و آثار بزرگ علمی و ادبی خویش را به آن زبان تألیف کردند و زبان دین و فرهنگ آنها شد.

و هکذا حَصَلت عِلَاقَاتٌ وَثِيقَةٌ بَيْنَ الْلُّغَتَيْنِ الْفَارِسِيَّةِ وَالْعَرَبِيَّةِ، نَكْتَفِي هُنَا بِالاشارَةِ إِلَى وُجُودِ مَضَامِينَ مشتركةً عَدِيدَةٍ فِي أَشْعَارِ شُعَرَاءِ هَاتَيْنِ الْلُّغَتَيْنِ. فَهَذَا هُوَ الْمُتَنَبِّي مِنْ أَجْلَهُ أَدْبَاءِ الادِبِ الْعَرَبِيِّ فِي الْقَرْنِ الرَّابِعِ وَذَاكَ الشَّيْخُ الْأَجْلُ سَعْدُى الشِّيرازِيِّ مِنْ قُحُولِ أَدْبَاءِ إِيَّرانَ فِي الْقَرْنِ السَّابِعِ.
فَلْنَظُرْ إِلَى بَعْضِ هَذِهِ الْمَضَامِينِ مِنْ هَذَيْنِ الشَّاعِرِيْنِ الْجَلَلَيْنِ:

و این چنین پیوندهای عمیقی بین دو زبان فارسی و عربی بوجود آمد، در اینجا به اشاره‌ای در وجود مضمون‌ها و مفاهیم مشترک فراوان در اشعار شاعران این دو زبان بسنده می‌کنیم. یکی متنبی از بزرگترین ادبیان ادبیات عربی در قرن چهارم و آن دیگری شیخ بزرگوار، سعدی شیرازی، از بزرگوارترین ادبیان ایران در قرن هفتم. پس به برخی از این مضمون‌ها از این دو شاعر بزرگوار بنگریم:
المُتَنَبِّي: وَ مَنْ قَصَدَ الْبَحْرَ اسْتَقَلَ السَّوَاقِيَا.

متنبی: هر که قصد دریا کند جوی ها را کوچک می‌شمارد. سعدی: هر که به مُعْظَمِي رسد، ترك دهد مُحَقَّری.

سعدی: هر که به چیز بزرگی برسد، چیز کوچک و خواری را ترك می‌کند.

تُرِيدُونَ إِدْرَاكَ الْمَعَالِيِّ رَحِيْصَةً وَ لَا بَدَّ دُونَ الشَّهَدِ مِنْ إِبْرَانَّخِلِ

به دست آوردن مقام‌های بزرگ را ارزان می‌خواهید حال آنکه برای رسیدن به عسل باید نیش زنبور را تحمل کرد.

سعدی! چو مُرادت انگیین است واجب بُود احتمال زنبور

(- ای سعدی! اگر می‌خواهی به عسل دست پیدا کنی تحمل نیش زنبور لازمه‌ی آن است.)

وَلِكُنْ مَعْدُنُ الدَّهَبِ الرَّاغِمُ!

أَنَا الْغَرِيقُ فَمَا خَوْفِي مِنِ الْبَلَلِ؟!

زَرَ، از سنگ خارا برون آورند.

و اما معدن طلا، سنگ خاراست!

من غرق شده هستم، پس چه ترسی از تر شدن دارم ! غرقه در نیل، چه اندیشه کند باران را!

لَوْ كَانَ سُكْنَائِيَ فِيهِ مَنْقَصَةً

مَا لِجُرْحٍ بِمَيِّتٍ إِيَّلامُ!

طَارَ الْوُشَاهَ عَلَيِ صَفَاءِ وَدَادِهِمْ

اگر سکونت من در آن عیب و نقص باشد (جای نگرانی نیست) مروارید در داخل صدف ساکن نمی‌باشد.

در چشمت ار حقیر بود صورت فقیر کوتنه نظر مباش که در سنگ گوهرست!

زخم، مرده را به درد نمی‌آورد.

مگسانند دور شیرینی این دغل دوستان که می‌بینی